

یافتن پذیرش و گسترش آن

علیرغم اینکه چه کسی هستیم، کجا بوده‌ایم و یا چه کارهایی انجام داده‌ایم، در NA مکانی جهت هم‌دلی، پذیرش و احساس تعلق پیدا می‌کنیم.

اصول راهنما، سنت ۲، "اصول روحانی"

خیلی از ما، وقتی وارد NA می‌شویم فکر می‌کنیم اوه، چه اتفاقی می‌افتد اگر بفهمند من فلان کار را کرده‌ام؟

یا شاید فکر کنیم چه اتفاقی می‌افتد اگر بفهمند من آنقدرها هم بد نبوده‌ام؟

هرکدام از این دو حالت و یا جایی بین هر دو هم که باشیم، اکثر ما با ترس وارد NA می‌شویم. ما می‌ترسیم که برای آنچه که هستیم یا انجام داده‌ایم، ما را قضاوت کنند. ما نگران هستیم که از ما بپرسند چرا اینجا هستی؟ هیچ فایده‌ای برای پاسخ به این سؤال وجود نخواهد داشت زیرا ما قبلاً خود را متقاعد کرده‌ایم که هر پاسخی بدهیم سوء برداشت می‌شود. ما می‌ترسیم که به NA تعلق نداشته باشیم و در خیلی از موارد هم امیدوار بودیم که تعلق نداشته باشیم تا بتوانیم به مصرف ادامه داده و مجبور به رویاوی با مشکلاتمان نباشیم.

به جای ممنوعیت ورود، ما می‌شنویم که تنها لازمه عضویت برای ما تمایل به قطع مصرف است. تنها چیزی که گروه می‌خواهد از ما بداند این است که ما می‌خواهیم درباره مشکل خود چه کنیم و آنها چگونه می‌توانند کمک کنند. هیچ کس از ما درباره رزومه اعتیادمان سؤال نمی‌پرسد. اگر بگوییم که همه قضاوت‌ها را پشت در می‌گذاریم، خودمان را مسخره کرده‌ایم. بالاخره ما انسان هستیم. در عوض، علیرغم قضاوت‌ها، تفاوت‌ها و گذشته‌ها ما از ما استقبال شده و پذیرفته می‌شویم. دیگران نسبت به ما محبت دارند و این محبت به نظر واقعی می‌رسد.

بعدها، ما شروع به دیدن خود در تازه‌واردها می‌کنیم. ما با آنها همدردی می‌کنیم و به آنها خوشآمد می‌گوییم، همانطور که به ما گفته شد. آنها با عشقی که اعضاء به هم می‌دهند محصور شده تا یاد بگیرند خود را دوست داشته باشند و بپذیرند.

NA مرا پذیرفت. امروز از خودم می‌پرسم: "چه کاری می‌توانم انجام دهم تا از دوست

معتاد خود استقبال بیشتری کنم؟"

پذیرش